



بهائیت، باب انحراف

مبانی فکری و اعتقادی هر جامعه‌ای، اهداف، رویکردها و تحولات آن را شکل و جهت می‌دهد؛ بنابراین بدون ایجاد تحول در مبانی فکری، تغییر بنیادین و ماندگار در جامعه رخ نمی‌دهد. به گواهی تاریخ، مبانی اعتقادی اسلام، همواره در برابر هر نوع تهاجم استعمارگران به بنای رفیع فرهنگ و تمدن اسلام، چونان دژی استوار بوده است. دشمنان با تلاشی همه‌جانبه و گسترده بر آن شدند تا با حربه تشکیک در اعتقادات مسلمانان و ایجاد انحراف اخلاقی در میان آنان، به کاخ تمدن اسلامی بتازند و پایه‌های آن را بلرزانند؛ چرا که اعتقادات هر امتی از دو راه به تباهی کشیده می‌شود: القای شک و تردید در عقائد — به خصوص در میان جوانان — و ایجاد انحراف‌های اخلاقی که انسان‌ها را از درون تهی می‌سازد و سرانجام آن‌ها را به نفی ارزش‌های اعتقادی سوق می‌دهد. (روم: ۱۰).

اما آنان در جهان اسلام با مقاومت مردمی رودررو شدند. چنین مقاومتی ملهم از متون دینی بوده است. نمونه‌هایی از این مقاومت‌ها، فتوای جهاد توسط علما در جنگ ایران و روس، نهضت تنگستان بر علیه انگلیس، لغو قرارداد رویترو و جنبش تنباکو است. در اثر همین جریان مقاومت دینی و مردمی بود که روس‌ها در جریان لشکرکشی به قفقاز با مقاومت همه جانبه مردم ایران مواجه شدند؛ «رساله جهادیه» که در زمان میرزا بزرگ فراهانی با امضای بیش از ۱۰۰ نفر از علمای بزرگ وقت شیعه منتشر شد، مردم را به مبارزه با ارتش متجاوز روس تشویق می‌کرد. استعمارگران برای آنکه بتوانند این موانع را به طور ریشه‌ای و بنیادین، از سر راهشان بردارند، اقدامات گوناگونی را در دستور کار خویش قرار دادند که یکی از مهم‌ترین و خطرناک‌ترین آن‌ها، ایجاد مسلک‌ها و مذاهب ساختگی و التقاطی با سوء استفاده از فرهنگ و آموزه‌های اسلامی است. بر این اساس، فرقه‌سازی بر اساس مذهب موجود را محور کار خود قرار دادند. استعمارگران به ویژه دولت انگلیس به هدف چپاول ثروت ملت‌ها در صدد برهم زدن اتحاد آن‌ها، برآمدند و از سیاست «تفرقه بینداز و حکومت بکن» بهره جستند و برای ایجاد تفرقه در بین مسلمانان، پیوسته دست به فرقه تراشی زدند و در برخی نواحی فرقه‌هایی را به وجود آوردند. آن‌ها به ویژه با سوء استفاده از عقیده مهدویت در هند و پاکستان فرقه قادیانیه و در ایران فرقه بابیت و بهائیت را راه انداختند.

بهائیت نمونه‌ای بارز از یک مذهب ساختگی استعماری است که برای سست کردن عقیده خاتمیت، این مهم‌ترین مبنای اعتقادی اسلام،

در درون جوامع اسلامی طراحی شده است که عاملان آن، برای پیشبرد اهداف خود، از امکانات فراوان و مدرن استعمارگران، از جمله ساختمان‌های مجلل و جدیدترین ابزارهای ارتباطی در کشورهای سکولار دنیا سود می‌برند. این مذهب دروغین چون ساخته استعمار است، برنامه‌ها و اقدامات خود را در راستای اهداف استعماری سامان می‌بخشد، به نحوی که به تدریج، از یک مذهب خرافی و مرتجع فاصله گرفته، خود را طرفدار وحدت عالم انسانی، تکثرگرایی، پذیرش ادیان دیگر و عدالت انسانی معرفی کرده، به تشکیل بیت‌العدل، در دامان ظالم‌ترین دولت دست‌نشانده استعمار، یعنی رژیم صهیونیستی اقدام کرده است.

آری آنان برای تجزیه کشور و شکستن اقتدار ملی ایرانیان که از زمان صفویان حول محور تشیع پدید آمده و همواره منافع قدرت‌های استکباری و استعماری را تهدید کرده و می‌کند، بر آن شدند تا با ایجاد انحراف در مبانی دینی و اعتقادی مردم و تضعیف آن به اهداف خود برسند.

آنان در ایران به خاطر وجود اعتقاد اصیل به مهدویت، بهائیت را طراحی کردند تا از یک‌سو زمینه اختلافات و درگیری‌های مذهبی را فراهم سازند و از طرفی مهدویت را که مهم‌ترین مبنای حرکت امید بخش شیعه و در ستیز با اهداف استعمار است، از بین ببرند و در نهایت برای تأمین کامل منافع دولت‌های استعماری باعث هضم کامل هویت جامعه اسلامی در فرهنگ غربی شوند.

حضرت امام خمینی علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند:

«اسلام و مذهب مقدس جعفری سدی است در مقابل اجانب و عمال دست نشانده آنها، چه راستی و چه چپی و روحانیت که حافظ آن است سدی است که با وجود آن اجانب نمی‌توانند به نحوی که دلخواه آنهاست با کشورهای اسلامی به خصوص با کشور ایران رفتار کنند، لهذا قرن‌هاست که با نیرنگ مختلف برای شکستن این سد نقشه می‌کشند، گاهی از راه مسلط کردن عمال خبیث خود بر کشورهای اسلامی و گاهی از راه ایجاد مذاهب باطله و ترویج باییت و بهائیت و وهابیت» (صحیفه نور، ج ۱، ص ۲۲۹).

حرکات باییت و بهائیت در طول حیات خود حکایت از اهداف استعماری آنان دارد؛ زیرا باییان در نخستین گام، در جریان دشت بدشت، رسماً شریعت اسلام را نسخ و محرمات را مباح اعلام کردند. حسینعلی بهاء و پسرش عبدالبهاء و بهائیان نیز پس از آنها بر آن شدند تا حقانیت انحصاری اسلام را مورد تردید قرار دهند و با طرح کثرت‌گرایی دینی و «جهان‌وطنی» هم اسلام را تضعیف نمایند و هم پای مذاهب و ادیان دیگر را به ایران بگشایند و این جدیدترین شیوه در جذب و هضم کامل فرهنگی و سیاسی و اقتصادی ایرانیان و سایر ملل اسلامی، در فرهنگ و سیاست و اقتصاد «جهانی‌شده» غرب و خصوصاً آمریکا تلقی می‌شود. به همین جهت، بهائیان در همه جوامع و کشورها، نورچشمی دولت آمریکا هستند و این ارتباط پس از

انقلاب اسلامی ایران و تأثیر بسیار آن بر جوامع مختلف، بسی عمیق‌تر و مرموزتر گردید.

بهائیت می‌بایست برای پیشرفت و تداوم حیات خود و دریافت کمک استعمار، دو کار انجام می‌داد: کتمان وابستگی خود به استعمار؛ و فراهم آوردن دلایل درون‌دینی بر اثبات مشروعیت خویش تا بتواند در درون جامعه اسلامی نفوذ کند. البته آن‌ها در هیچ یک از این دو محور، جز مطالبی به غایت سست‌بنیاد، چیز قابل توجهی ارائه ننموده‌اند. با این حال، چون افکارشان توسط دولت‌های استعماری با روش‌های مختلف و ابزار مدرن ارتباطی، منتشر می‌شود، لازم بود برای ابطال مستندات آن‌ها در دو محور یادشده، تلاشی صورت گیرد که شماره حاضر «کتاب نقد» پاسخی به همین ضرورت است.

بهائیت، شامل اعتقاداتی بی‌اساس و انحرافی، همچون خدای موهوم، ادعای نبوت، نفی خاتمیت، انکار معاد و قیامت، اعتقاد به مهدویت نوعی، انکار مهدویت حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه‌ه و ادعای مهدویت شخصی است؛ در مقاله «سیر انتقادی در تاریخ و باورهای بهائیت»، علاوه بر نقل و نقد این باورها، پاره‌ای از اعمال خرافی و عملکردهای انحرافی آنان نیز بیان می‌گردد.

در میان کتب بهائیت، مطالبی به عنوان ادله عقلی به چشم می‌خورد که در مقاله «تأملی در ادله عقلی بهائیت» مورد تحلیل و نقد قرار گرفته است. این ادله عبارتند از:

۱. امی بودن باب و بهاء؛
۲. استقامت؛
۳. تقریر و نفوذ؛
۴. غلبه و ظهور؛
۵. گرویدن مسلمانان به بهائیت؛
۶. پیروان از جان گذشته؛
۷. استمرار فیض.

بهایان برای جلب مسلمانان و اثبات مرام خود، بدون رعایت قواعد فهم و تفسیر قرآن مجید به بهره‌برداری از آیات پرداخته‌اند. آنان برای اثبات نسخ اسلام و حقانیت بهائیت، به دلیل «تقریر»، «تداوم فیض» و نیز «اثبات ظهور بهائیت» به قرآن مراجعه می‌کنند. آنان همچنین برای توجیه و تأویل آیاتی که دال بر خاتمیت است، تلاشی ناکام نموده‌اند که در مقاله «نقد و بررسی شبهات قرآنی بهائیت» به این موارد پرداخته می‌شود و در پایان، به منشأ خطای آنان که نادیده انگاشتن منطق فهم قرآن است، اشاره می‌شود.

فرقه بهائیت در راستای ترویج آیین باطل خویش و برای حفظ کیان خود، از یک سو با ایجاد شبهه، به انکار دلالت معجزه بر حقانیت ادعای پیامبر پرداختند و از سوی دیگر، با ارائه تفسیری از اعجاز قرآن و توجیه برخی ویژگی‌های آن، کوشیدند از آن برای وصول به اهداف خود بهره گیرند. مقاله «نقد شبهات بهائیت درباره اعجاز» به نقد مهم‌ترین شبهات بهائیان بر اعجاز و به ویژه اعجاز قرآن می‌پردازد.

آنان همچنین برای اثبات عقیده خود به انواعی از روایات تمسک کرده‌اند. در مقاله «نقد و بررسی شبهات روایی بهائیت» به مهم‌ترین موارد تمسک آن‌ها به روایات اشاره می‌شود و نحوه استدلال بزرگان آنان در هشت محور ذکر و نقد و بررسی شده و در خاتمه و به شکل کلی، علت گمراهی آنان که عمدتاً نادیده گرفتن منطق فهم روایات است، به بحث گرفته می‌شود.

پاره‌ای از مدعیات بایبه و بهائیت، مطالبی به ظاهر عرفانی است. هدف آنان این است که از این طریق، ارتباط خود را با خداوند به عنوان امام و یا پیامبر

طرح نمایند؛ اما عرفانی که بهائیت مدعی آن است، هیچ‌گونه سنخیتی با عرفان اصیل و اسلامی ندارد؛ زیرا عرفان اسلامی، شناخت ویژه خداست که از راه شهود درونی و دریافت باطنی حاصل می‌شود؛ در مقاله «نقد رویکرد عرفانی بهائیت» بی‌پایگی عرفان این فرقه بررسی می‌شود.

برای کتب آسمانی مشخصه‌هائی وجود دارد که کتب مقدس بهائی فاقد آنهاست. این کتب به دستان مدعیانی دروغین به نگارش درآمده تا به عنوان وحی آسمانی به بندگان خدا عرضه گردد. در مقاله «پژوهشی در کتب مقدس فرقه ضاله بهائیت» سه کتاب اصلی فرقه بهائی (بیان، ایقان و اقدس) از زوایای مختلف برای اثبات ادعای فوق مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

بهائیت برای اثبات مهدویت باب نیاز دارد تا این حقیقت را که حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالیه فرزند امام حسن عسکری علیه‌السلام است، انکار نماید. در مقاله «مهدی موعود عجل‌الله‌تعالیه فرزند امام حسن عسکری علیه‌السلام» با سه رویکرد روایی، تاریخی و عقلی، اثبات می‌شود که مهدی موعود عجل‌الله‌تعالیه فرزند امام حسن عسکری علیه‌السلام است در این مقاله همچنین، شبهات برخی معاصران در انکار مهدویت نقد می‌شود.

در مقاله «بهائیت؛ مانده آسمانی یا زائده استعماری؟» وابستگی جریان موسوم به بایبگری و بهائیگری به قدرت‌های بیگانه، موضوع سخن قرار می‌گیرد. در این مقاله برای اثبات این مدعا و نشان دادن پیوند دیرین و مستمر میان بهائیت با دولت‌ها و کانون‌های استکباری، از متون مهم خود بهائیت و منابع دیگر، اسناد معتبر تاریخی و شواهد و قرائن غیر قابل انکاری ذکر شده است.